

فضای فرهنگی - اجتماعی صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه

احد داوری چلقائی*

چکیده

علل، زمینه‌ها و شرایطی که باعث صدور خطبه‌ای از جانب امام علی علیه السلام شده است «فضای صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه» قلمداد می‌شود که در کتب حدیثی آن را «اسباب صدور حدیث» می‌گویند. این مقاله به منظور فهم بهتر معانی خطبه‌های نهج‌البلاغه و حل برخی تضادهای ظاهری به بررسی فضای فرهنگی - اجتماعی صدور این خطبه‌ها می‌پردازد. در این راستا علاوه بر بررسی روایات معتبر مربوط به خطبه‌های نهج‌البلاغه، مطالعه برخی شرح‌ها، کتب تاریخی مربوط به حوادث قرن اول هجری نیز سودمند است. ذکر این نکته نیز لازم است که ما در نقل فضای صدور حکم را به یک مورد خاص منحصر نمی‌کنیم؛ بلکه در فهم بهتر حدیث و روایت از آن بهره‌مند می‌شویم. در این نوشتار تلاش شده است تا با توجه به اهمیت مسئله، پیشینه تاریخی آن بازگو و روش‌های فهم فضای صدور تبیین و با آسیب‌شناسی بحث، میزان تأثیر فرهنگ زمانه در این خطبه‌ها واکاوی گردد.

واژگان کلیدی

امام علی علیه السلام، نهج‌البلاغه، خطبه، فضای صدور، فضای فرهنگی - اجتماعی.

*. مدرس گروه قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن

مقدمه

نهج البلاغه، این اثر جاودانه، برگرفته از انوار سخنان گهربار امیرمؤمنان علی علیه السلام، بزرگمرد تاریخ بشریت است که هیچ‌گاه گذشت زمان پرده کهنگی و غبار فراموشی بر سیمای پرفروغ او نیفکند، از شکوه آن نکاسته و جلوه‌های تقوا، عدالت، جهاد و دیگر صفات برجسته او را از یاد نبرده و در برابر دنیایی از عظمت، دانش و حکمت او سر تعظیم فرود آورده‌است؛ جاذبه‌های کلام امیرمؤمنان از مرزهای تعصب و فرقه‌گرایی گذشته، دوست و دشمن را به ستایش واداشته که با زبان اندیشه و سوز دل گونه‌ای از فضیلت او را بیان کرده‌اند.

نهج البلاغه که در لغت به معنای «شبهه بلاغت» است، منتخبی از خطبه‌ها، دعاها، وصایا، نامه‌ها و جمله‌های کوتاه مولای متقیان علی علیه السلام است که ادیب نامور و محدث بزرگوار، مرحوم سیدرضی رحمته الله در سال ۴۰۰ هجری از میان صدها کتاب و منبع گردآوری و تنظیم کرده است.

بیان مسئله و تبیین مفاهیم موضوع

فضای صدور در کتاب‌های حدیثی با نام‌هایی چون اسباب صدور حدیث، اسباب ورود حدیث و اسباب الحدیث نامبردار است (سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۶۷) و از جمله شاخه‌های فقه الحدیث می‌باشد (معماری، ۱۳۷۷، ص ۷۵)^۱ که بیانگر علل و زمینه‌هایی است که باعث صدور قول یا فعل و یا تقریر از ناحیه معصوم علیه السلام می‌گردد (سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۶۵ و ۶۸)؛ به بیان دیگر سبب ورود حدیث یعنی زمینه‌ای که موجب شده‌است تا معصوم علیه السلام سخنی بگوید و حکمی را بیان و مسئله‌ای را طرح یا رد و انکار کند و یا حتی کاری انجام دهد، پس علم اسباب ورود حدیث، همانند علم اسباب نزول قرآن کریم می‌باشد (حسینی، ۱۴۰۱، ص ۳)؛ البته همان طوری که تمام آیات قرآن دارای سبب خاصی نیستند، احادیث نیز چنین‌اند. (سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۷۰)

۱. ابن حمزه حسینی آن را از شاخه‌های علوم حدیث می‌داند. (ابن حمزه حسینی، ۱۴۰۱، ص ۲)

با توجه به آنچه گفته شد، منظور از فضای صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه یعنی موقعیت‌هایی که علی علیه السلام به ایراد خطبه پرداخته و مطالبی را بیان نموده‌اند که گاهی این شرایط به نوعی در عصر زندگی علی علیه السلام مطرح بوده است، مانند فضای فرهنگی، علمی و شرایط اجتماعی و گاهی چنین شرایطی مختص یک خطبه و یک زمان معین می‌باشد.

اهمیت و ضرورت مسئله

فرایند درک و تفسیر متن با زمینه‌های فکری، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی‌ای که در زمان خلق اثر و تکوین متن و گفتار، مؤلف را احاطه کرده و او در آن جغرافیای خاص فرهنگی، اجتماعی و تاریخی به خلق اثر پرداخته است، در ارتباط است و این مطلب در جای خود یک اصل عقلایی در گفتمان متعارف بشری است که در تحلیل، تفسیر و معناسازی یک متن، نوشتار یا گفتار یک اندیشمند، فضای کلی و آهنگ سخن وی را باید مورد عنایت قرار داد و با توجه به آن جهت‌گیری محوری، از میان معانی نهفته و محتمل در کلام، احراز کرد و در پرتو تناسب سیاق کلام، مراد وی را بازشناسی نمود. روایات صادر شده از پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام از این قاعده مستثنا نیست؛ فهم درست و صحیح آن سخنان گهربار به شناخت و معرفت تاریخ صدور آن روایات وابسته است؛ (مهریزی، ۱۳۷۴، ص ۲۳) چه اینکه این روایات در فضا، شرایط، عادات، سنن و اقتضاهای آن زمان به‌وجود آمده است و حضور در محیط عصر را بیشتر از قرآن نشان می‌دهد و به تعبیر دکتر حنفی حدیث از قرآن تاریخی‌تر است. (حنفی، ۱۳۸۰، ص ۴۰؛ ایازی، ۱۳۸۰، ص ۵۴)

در مورد نهج‌البلاغه مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا امام علی علیه السلام در رأس حکومت اسلامی قرار گرفته و بی‌شک دستورهایی که به عنوان حاکم اسلامی از حضرت امیر علیه السلام صادر شده است باید به‌طور ویژه و با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت‌های خاص امام علیه السلام ملاحظه و تفسیر گردد.

به‌عنوان نمونه به مواجهه حضرت با مسئله جهاد توجه می‌کنیم که ایشان در خطبه ۱۶ مردم را به بازگشت به خانه‌های خود (و جهاد نکردن) دعوت می‌کند و می‌فرماید: «لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْحُ أَصْلٍ، وَلَا يَظْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعُ قَوْمٍ، فَاسْتَبْرُوا بِيُوتِكُمْ، وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ؛ آنچه براساس تقوا پایه‌گذاری شود، نابود نگردد، کشتزاری که با تقوا آبیاری شود، تشنگی ندارد. ای مردم! به خانه‌های خود روید و مسائل را میان خود اصلاح نمایید.»

اما در خطبه ۲۷ مردم را به جهاد دعوت می‌کند و می‌فرماید: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ، وَهُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى، وَدَرَعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ، وَجُنَّتْهُ الْوَيْقَةِ، فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنَّهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ، وَشِمْلَةَ الْبِلَاءِ؛ همانا جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی بندگان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک نماید، خداوند لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت می‌شود.»

با دقت در فضای صدور خطبه‌های فوق، این تضاد به راحتی قابل حل است؛ زیرا حضرت خطبه ۱۶ را در موقعیت بیعت با وی در مدینه ایراد کرده‌است که هنگامه شورش علیه عثمان در مدینه بود و خلیفه را به قتل رسانده بودند، اما اجازه دفن جنازه‌اش را نمی‌دادند، در این هنگام علی علیه السلام مردم را به آرامش دعوت می‌کند. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ ق، ص ۲۷۴ و ۲۷۵)؛ اما خطبه ۲۷، زمانی ایراد شده است که خبر تهاجم سربازان معاویه به شهر انبار به گوش علی علیه السلام رسیده بود، بدیهی است که امام در این موقعیت مردم را برای مقابله با غارت‌گری‌های معاویه دعوت به جهاد خواهد کرد. (قاضی، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ کلینی، ۱۳۸۸ ق، ص ۶)^۱

در پایان، اشاره به این نکته لازم است که آشنایی با فضای صدور در تمام خطبه‌ها ضروری نیست؛ زیرا متن برخی از خطبه‌ها به‌طور تقریب جنبه اخلاقی یا اعتقادی دارد،

۱. ثقفی در *الغارات*، ابن حیون در *دعائم‌الاسلام* و شرح‌الأخبار، ابن بابویه در *معانی‌الأخبار* به این نکته اشاره کرده‌اند.

مثلاً صفات خداوند را بیان می‌کند! مسئله اصلی در این گونه موارد فهمیدن آن صفات و عمل براساس دستورهای اخلاقی آن خطبه است و دانستن مکان و زمان ایراد این گونه خطبه‌ها تأثیر چندانی در درک محتوای عالی آنها نخواهد داشت (هرچند درک آن از جنبه تاریخی اهمیت دارد).

پیشینه پژوهش

در لابلای آثار مؤلفانی که به علم اسباب صدور احادیث پرداخته اند؛ کوشش‌های علمی مختصری در زمینه فضای صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه صورت گرفته‌است که به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم.

کلیدهای شناسایی نهج‌البلاغه؛ مرحوم محمد دشتی کلید ۲۱ کتاب مزبور را با عنوان «شناخت شأن نزول خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه، بررسی زمینه‌های پیدایش» به بررسی علوم نظری و ذکر چند مثال اختصاص داده است، وی پس از مقدمه کوتاهی در اهمیت مسئله، راه‌های به دست آوردن شأن نزول نهج‌البلاغه و کاربرد آن را ذکر کرده‌است، همچنین در ترجمه نهج‌البلاغه و در آغاز خطبه‌ها و نامه‌ها شأن نزول را آورده است. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۲ - ۲۶۳)

خاستگاه فرهنگی نهج‌البلاغه؛ پژوهشی است که مؤلف بزرگوار آن محمدحسن نادم برای پاسخ به مهم‌ترین شبهه مخالفان پیرامون نهج‌البلاغه گردآوری کرده است، این شبهه عبارت از این است که نهج‌البلاغه از کلمات و سخنان امام علی علیه السلام فراهم نیامده است؛ بلکه همه آن یا بخشی از آن از حضرت علی علیه السلام نیست؛ زیرا در برخی از کلمات آن سخنان دقیق و اصطلاحات عمیق فلسفی و عرفانی‌ای نهفته است که جغرافیای فکری و فرهنگی آن زمان عاری از آن اصطلاحات و تعبیرات بوده و فهم و درک آن مسائل برای مردمان آن عصر ناممکن می‌نماید.

برای پاسخ به این شبهه کتاب مزبور، اوضاع فرهنگی عراق را که بیشتر سخنان

حضرت در آنجا ایراد شده است، به عنوان زمینه‌های پیدایش نهج البلاغه بررسی می‌کند. (نادم، ۱۳۸۳، ص ۱۳ - ۱۱)

المدخل الی علوم نهج البلاغه؛ این کتاب تألیف محسن باقر موسوی، شامل مجموعه‌ای از علوم پیش نیاز برای فهم نهج البلاغه است، به عقیده نویسنده، هم چنانکه فهم قرآن منوط به آگاهی از علوم قرآنی مانند لغت و ادب، شأن نزول، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه است، برای شناخت نهج البلاغه نیز لازم است محقق از اسباب صدور خطبه‌ها و ارسال نامه‌ها و بیان کلمات قصار آن آگاه شود. وی براین اساس پس از شرحی مفصل درباره مدارک نهج البلاغه و بررسی اسناد روایت آن، اوضاع زمانی و مکانی صدور هر یک از مطالب نهج البلاغه را بیان کرده است.

شرح‌های نهج البلاغه؛ با توجه به آنکه سید رضی در بیشتر خطبه‌های نهج البلاغه سند و فضای صدور را ذکر نکرده است،^۱ برخی از شارحان به ذکر تاریخ و سند و فضای صدور خطبه پرداخته‌اند؛ ولی از میان ده‌ها شرح نوشته شده بر نهج البلاغه فقط تعدادی از آنها به‌طور مفصل به موضوع پرداخته‌اند، در میان شرح‌های نگاشته شده بر نهج البلاغه سه شرح ابن ابی‌الحدید، پرتوی از نهج البلاغه و پیام امام تا حدودی به بررسی فضای صدور خطبه‌ها پرداخته‌اند که در اینجا نیم‌رخ از این شروح نشان داده می‌شود:

«پیام امام» جدیدترین شرح بر نهج البلاغه، کار گروهی آیت‌الله مکارم شیرازی و همکارانشان است که در هشت جلد انتشار یافته و در آن^۲ فقط خطبه‌ها بررسی شده است. در این کتاب در ابتدای بیشتر خطبه‌ها، مطلبی با عنوان «خطبه در یک نگاه» آمده که در آن نوعی فضای تاریخی صدور خطبه‌ها ذکر شده است، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۵۳۶ و ۵۳۷) در برخی از موارد نیز عنوان «شأن ورود خطبه» (پیشین، ص ۳۱۵) و حتی گاهی عبارت «شرایط و زمان صدور خطبه» به کار رفته است. (پیشین، ص ۲۶۹)

۱. در نهج البلاغه ۱۷ خطبه با سند و منبع توسط سید رضی رحمته‌الله نقل گردیده است. (جعفری، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳۸)

۲. تا خرداد ماه ۱۳۸۸.

کتاب *پرتوی از نهج‌البلاغه* تألیف دکتر سید محمدمهدی جعفری در پنج جلد که سه جلد آن به خطبه‌های نهج‌البلاغه اختصاص یافته و جلد اول آن با استفاده از ترجمه آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، و بقیه جلد‌ها با تلاش خود آقای جعفری تکمیل شده است. در مقدمه هر خطبه بعد از تعیین سند و منبع آن، تاریخ آن نیز به قرینه محتوا یا اشاره سید رضی یا تصریح تاریخ‌ها و منابع دیگر مشخص گردیده و در این قسمت توضیحاتی درباره شرایط تاریخی و شأن بیان خطبه‌ها ارائه شده است.

شرح *ابن‌ابی‌الحدید*، معتزلی در ردیف نخستین شرح‌هایی است که بر نهج‌البلاغه نوشته شده است. وی بیشتر مطالب تاریخی را ذکر کرده است که در کمتر کتابی به چشم می‌خورد؛ زیرا از منابعی بسیار غنی استفاده کرده است که به احتمال قوی، بعدها در هجوم‌های ضدفرهنگی و خانمان برانداز مغول از بین رفته‌اند.

شرح ابن‌ابی‌الحدید تا آن اندازه با مسائل تاریخی عجین شده است که می‌توان کتاب وی را دارای صبغه تاریخی دانست. ابن‌ابی‌الحدید در ذکر مسائل تاریخی گاهی به آفت زیاده‌روی دچار شده است. مثلاً به بهانه خطبه ۲۲۸ «لله بلاء فلان، فلقد قوم الأود، ودأوی العمدة» واژه «فلان» را بر «عمر» تطبیق می‌کند و تمام جلد دوازدهم شرح خود را به بررسی حالات عمر اختصاص می‌دهد.

منابع و روش‌های فهم فضای صدور

برخی معتقدند تنها راه شناخت سبب ورود احادیث، مانند اسباب نزول قرآن، روایت و نقل می‌باشد؛ آن هم روایت‌هایی که صحت آنها مورد تأیید باشد. (سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۷۰) ولی باید خاطر نشان کرد که از طریق موارد زیر نیز می‌توان فضای صدور خطبه را کشف کرد:^۱

۱. شایان توجه است که علامه طباطبایی از جمله مفسرانی است که تدبیر در معانی آیات قرآن را تنها راه شناخت آیات و سور مکی و مدنی و اسباب النزول می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۶ و ۱۱۱)؛ اگر این نظریه را بپذیریم «تحلیل متن نهج‌البلاغه» بهترین راه برای فهم فضای صدور خواهد بود.

۱. تحلیل متن نهج البلاغه، در برخی موارد بیانگر فضای صدور حدیث است، به عنوان مثال در خطبه ۴۷ امام علی علیه السلام خطاب به کوفه می‌فرماید: «كَأَنِّي بَكِ يَكُوفَةٌ تُمَدِّينَ مَدَّ الْأَدِيمِ الْعُكَاظِي» از محتوای عبارت معلوم می‌شود که حضرت این خطبه را زمانی در کوفه ایراد کرده است که از مردم کوفه غضبناک است. چنانکه با دقت در محتوای خطبه ۵۴ «فَتَدَاكُوا عَلَيَّ تَدَاكَ الْأَيْلِ الْأَهِيمِ يَوْمَ وَرْدِهَا» که در وصف روز بیعت ایراد فرموده است، می‌توان فضای بیعت با حضرت در مدینه را تبیین کرد و در فهم خطبه‌هایی که در روز بیعت یا کمی پس از آن ایراد شده است به کار گرفت.

۲. نکته‌هایی که سید رضی قبل و بعد از خطبه‌ها آورده است، در تبیین فضای صدور خطبه‌ها نقش به‌سزایی دارد؛ مثلاً مؤلف در ابتدای خطبه ۶۷ «فَهَلَّا أَحْتَجِّجُكُمْ عَلَيْهِمْ: بِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَصَّى بِأَنْ يُحْسِنَ إِلَيَّ مُحْسِنِهِمْ» فضای صدور خطبه را تبیین کرده و می‌نویسد: زمانی که پس از رحلت حضرت پیامبر صلى الله عليه وآله، ماجرای سقیفه را به اطلاع امام رساندند؛ حضرت پرسیدند: انصار در پاسخ مهاجرین چه گفتند؟ پاسخ شنید: [انصار] گفتند: زمامداری از ما و زمامداری از شما مهاجرین انتخاب گردد! امام صلى الله عليه وآله فرمود: «فَهَلَّا أَحْتَجِّجُكُمْ...».

۳. مطالعه شروح نهج البلاغه که در بحث پیشینه پژوهش به ذکر آنها پرداختیم.

۴. کتاب‌های تاریخی مربوط به حوادث قرن اول هجری، در این کتاب‌ها همچون تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، الغارات ثقفی و... حوادثی نظیر ماجرای سقیفه، قتل عثمان، جنگ‌های جمل، صفین، نهروان و... ذکر گردیده است و می‌تواند منابع بسیار خوبی برای کشف فضای صدور خطبه‌ها باشند.

۵. استفاده از کتاب‌های مصادر نهج البلاغه، از آنجا که سید رضی سلسله سند راویان و کتاب‌های مورد استفاده خود در تدوین نهج البلاغه را حذف کرده است؛ عده‌ای درصدد برآمده‌اند که سلسله اسنادی برای این کتاب عظیم، از منابع تاریخی بیابند، برخی از این مصادر عبارتند از: مصادر نهج البلاغه و اسانیده، عبدالزهراء خطیب حسینی؛ مدارک

نهج‌البلاغه، کاشف الغطاء؛ استناد نهج‌البلاغه، امتیاز علی خان عرشی؛ نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه، محمدباقر محمودی؛ مصادر نهج‌البلاغه، عبدالله نعمت؛ بحشی کوتاه پیرامون مدارک نهج‌البلاغه، رضا استادی؛ اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، محمد دشتی و روات و محدثین نهج‌البلاغه، محمد دشتی.

به‌عنوان نمونه می‌توان به خطبه ۵۴ «قَدْ اسْتَطَعْتُمْ كُمْ الْقِتَالَ، فَأَقْرُوا عَلَيَّ مَدْلَةً، وَتَأْخِيرَ مَحَلَّةٍ...» اشاره کرد که بر طبق آنچه در مصادر نهج‌البلاغه آمده است، امام علیه السلام آن را در هنگامی که عمرو بن عاص بر مصر غلبه کرد و نماینده امام - محمد بن ابی بکر- را به شهادت رساند، گروهی از آن حضرت خواستند تا نظر خود را در باره خلفای پیشین بیان کند، امام در جواب آنها فرمود: آیا از فتنه‌گری عمرو بن عاص فراغت یافته‌اید؟ شما هنگامی این سؤال را مطرح می‌کنید که مصر را از شما بازگرفته‌اند و شیعیان مرا به شهادت رسانده‌اند! سپس فرمود: به زودی نامه‌ای خواهم نوشت که پاسخ سؤال شما در آن نامه باشد و این خطبه قسمتی از آن نامه است. (حسینی، ۱۳۹۵، ق، ص ۳۹۲ - ۳۹۰)

موارد کاربرد فضای صدور

سخنی که در مناسبتی خاص و برای حل مشکلی معین بیان شده‌است، با آن حادثه ارتباطی تنگاتنگ دارد، به‌گونه‌ای که اگر شناخت آن مناسبت میسر نگردد، فهم اساسی آن سخن نیز ممکن نخواهد بود؛ لذا مهم‌ترین کاربرد فضای صدور را می‌توان فهم بهتر مفهوم حدیث دانست؛ (هاشم، ۱۴۱۸، ق، ص ۲۶۰) مثلاً امام علیه السلام، کمیل را از شهر خارج می‌کند و به قبرستان کوفه می‌برد تا از غوغاهای زمانه و از سر و صدا، هیاهو و اشتغالات دنیوی و تاریکی اوهام عصر خود جدا سازد و آنگاه برای آمادگی بیشتر و توجه‌دادن به مطلبی که قرار است برای او بیان شود، می‌فرماید: ای کمیل! بهترین قلب‌ها، قلبی است که گنجایش و حفظ بیشتری داشته باشد، پس آنچه می‌گویم به خوبی حفظ نموده و به خاطر داشته باش! «الْإِنْسَانُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِي، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ، وَهَمَّجٌ رَعَاعٌ...»

(حکمت ۱۴۷) از رهگذر تأمل در این شرایط معلوم می‌شود که این‌گونه مطالب چنان نیست که برای همه و در هر جا بیان شود؛ بلکه سخن ویژه‌ای است که حضرت در مکان و زمان خاص برای افراد نخبه و برگزیده بیان کرده است.

دانستن فضای صدور و علت ایراد خطبه‌ها علاوه بر فهم بهتر می‌تواند به حل تضادهای ظاهری نیز کمک کند، به‌عنوان نمونه حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۰۶ می‌فرماید: «إِنِّي أكره لكم أن تكونوا سبّيين؛ من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید.» ولی در خطبه ۱۳۵ به مغیره بن شعبه چنین می‌گوید: «يا بن اللعين الأبتّر، والشجرة التي لا أصل لها ولا فرع...؛ ای فرزند لعنت شده دم بریده و درخت بی‌شاخ و برگ...!» حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا حضرت یکجا از دشنام‌دادن نهی می‌کند و در جایی دیگر خود این چنین کلماتی بر زبان می‌آورد؟ آیا تحت تأثیر احساسات واقع شده است؟ با مراجعه به فضای صدور هر دو خطبه تضاد ظاهری حل خواهد شد؛ زیرا امام وقتی در جنگ صفین شنید که یارانش شامیان را دشنام می‌دهند، فرمود: آنها را دشنام ندهید؛ بلکه کردارشان را بیان و حالات آنها را بازگو نمایید و بهتر آن است که بگویید: خدایا خون ما و آنها را حفظ کن و بین ما و آنها را اصلاح فرما. (اسکافی، بی‌تا، ص ۱۳۷؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ ق، ص ۲۴ - ۲۱)

اما مورد دوم مربوط به موقعی است که مغیره بن شعبه با آن شخصیت ویژه و شگفت‌آوری که دارد، از سوی عثمان به نزد حضرت آمده و می‌خواهد حضرت را از پای در آورد و سخنان زشتی بر زبان می‌آورد، حضرت با توجه به سابقه وی و دفاع از عملکرد خود در قبال عثمان اقدام به بیان چنین سخنانی کرده است. (پیشین، ص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ امینی، ۱۳۹۷ ق، ص ۳۳۰؛ محمودی، ۱۳۹۶ ق، ص ۱۶۲ و ۱۶۳)

یکی دیگر از کاربردهای بسیار مهم آشنایی با فضای صدور، مربوط به بررسی میزان تأثیر فرهنگ زمانه در سخنان امیرمؤمنان است، بدین‌بیان که با بررسی فضای صدور سخنان امام ثابت می‌شود که علی علیه السلام تحت تأثیر فرهنگ زمانه قرار نداشته و همچون

قرآن فراتر از عصر و زمان خود حرکت می‌کند، لذا نهج‌البلاغه جاودان بوده و می‌تواند پاسخگوی خواسته‌ها، آمال و نیازهای مردم در تمام اعصار باشد.^۱

برای اثبات این مطلب باید به این نکته اشاره نمود که ولایت امیرمؤمنان استمرار خط نبوت پیامبر است و جانشینان واقعی پیامبر اسلام به دلیل درک عمیق از ارکان فرهنگ اسلامی و با تفسیر درست آن، افزون بر تقویت و توسعه پایه‌های این فرهنگ در طول زمان، باید آن را از سقوط در دامان تحریف و انحراف که ممکن است برای هر فرهنگ نوپایی پدید آید، حفظ کنند تا شالوده فرهنگ اصیل اسلامی و بینش راستین در باره آن به همه مردم رسیده و حجت الاهی بر همه تمام گردد؛ (کاشفی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۰ و ۳۱۱) لذا امام علی علیه السلام جهت حفظ راه و رسم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در ایجاد و تقویت فرهنگ اسلامی، باید فراتر از زمان حرکت نموده و تحت تأثیر فرهنگ زمانه عرب‌ها قرار نگیرد.

شواهد زیر مؤید عدم تأثیرپذیری امیرمؤمنان از فرهنگ زمانه دارد:

الف) شیوه رفتار حضرت در حکومت

حکومت علوی و شخص مولای متقیان در فضا و شرایطی قرار داشت که سیاست بازی، نیرنگ‌سازی و فریب‌کاری در حکومت بر مردم، امری پذیرفته شده و به‌عنوان کاردانی و زیرکی به‌شمار می‌رفت و چنین رفتاری با اقبال عمومی مواجه می‌گشت؛ حتی کسانی که افق دیدشان به همان زمان محدود می‌شد و حداکثر می‌توانستند سود و زیان اسلام را در همان مقطع در نظر بگیرند، به سیره و روش آن حضرت اشکال می‌کردند و توصیه می‌کردند که برای حفظ حکومت خویش از شیوه‌های رایج سیاستمداران دنیوی استفاده کنند؛ ولی آن حضرت که تنها سود و زیان را در همان زمان محدود در نظر نداشت؛ بلکه

۱. البته باید خاطر نشان کرد که منظور ما از تأثیر فرهنگ زمانه، این نیست که علی علیه السلام به زبان عربی سخن نگوید، یا همچون مردم آن زمان لباس نبوشد و همچون مردم عصر خود سوار بر اسب و شتر نشود و به دلیل آنکه الگوی فرازمانی است از لحاظ ظواهر زندگی متناسب با ۱۴۰۰ سال قبل رفتار نکند؛ زیرا این موارد به مرور زمان متفاوت خواهد بود و دلیل بر برتری مردم یک عصر بر عصر دیگر نیست.

افق نگرش او تا هزاران سال آینده را به خوبی می‌دید و سود و زیان و مصلحت اسلام را در همه زمان‌ها و مکان‌ها محاسبه می‌کرد، هرگز حاضر نشد برای حفظ حکومت خویش از شیوه‌های نامشروع استفاده کند و خود را در حد سیاستمداران دنیوی تنزل دهد، لذا سیاست‌بازی و فاصله‌گرفتن از ارزش‌های انسانی و باورهای دینی را از کفش فرسوده بی‌ارزش‌تر (خطبه ۳۳) و از آب دماغ بز نیز پست‌تر و از روده خوک در دست انسان جذامی پایین‌تر می‌داند. (خطبه ۳)

ب) خیرخواهی نسبت به خلفای پیشین

امیرمؤمنان در طول دوران خانه‌نشینی خود با حفظ اصول و مرزهای حق و باطل و براساس حس آرمان‌گرایی و دلسوزی برای اسلام و مسلمانان، بیشترین خیرخواهی را برای حاکمان وقت داشت؛ در حالی که مشروعیتی برای اصل حکومت آنها قایل نبود و آن را حق خود می‌دانست؛ اما در تلاش بود تا اسلامی که هنوز زخم خلافت دروغین را بر سینه داشت، بیش از این ضربه نخورد و خسارتی بیش از آن متوجه مسلمانان نگردد. (خطبه ۱۳۴، ۱۴۶ و ۱۶۴)

ج) خودداری از مقابله به مثل در برابر غارتگران شام

در این مورد به این نمونه اشاره می‌شود که معاویه پس از فتح مصر و اطلاع یافتن از اوضاع نابسامان عراق و اختلاف و تشتت افکار، چند تن از سران لشکر خود را به اطراف عراق و مناطق تحت قلمرو علی علیه السلام گسیل داشت تا به قتل و غارت پردازد و مایه رعب و وحشت عراقیان گردند؛ اما امام علیه السلام از غارت‌بردن به آبادی‌های شام و غیرنظامیانی که در شهرهای آن سامان به کار عادی اشتغال داشتند، ناخرسند بود؛ حتی در جنگ‌ها فرمان می‌داد که با نظامیان نیز درگیر نشوند، مگر اینکه مورد هجوم دشمن واقع شوند و از خود دفاع کنند و یا اینکه دشمن مرتکب جنایتی شده باشد که قصاص آن را مطالبه کنند. اگر علی علیه السلام به سران عشایر عراق دستور یا اجازه می‌داد که به آبادی‌های شام، به خاطر احراز

غنایم غارت ببرند، هجوم‌های گسترده‌ای بر اطراف شام صورت می‌گرفت تا آن حد که عرصه را بر شامیان تنگ کنند. و اگر علی علیه السلام مانند دیگران تجویز می‌کردند که عراقیان بر شامیان بتازند و خطه شام را با تمام بردگان، زنان و کودکان و با همه اموال، خانه‌ها و زراعت‌ها به عنوان غنیمت تقسیم کنند، دیری نمی‌گذشت که از معاویه و عمرو بن عاص و غارتگران شام اثری باقی نمی‌ماند. (بهبودی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵ و ۲۱۶)

علاوه بر مسائل فوق، موارد زیر بیانگر نقش ویژه علی علیه السلام در ایجاد و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی است (کاشفی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۳ - ۳۱۲):

۱. مبارزه با انحراف

نقض میثاق غدیر و اصل ولایت، تحریم و تحریف بخشی از سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، فراموشی عدالت اجتماعی، توسعه سنت رسول خدا به اعمال دو خلیفه نخستین، عدم توجه به تربیت فرهنگی و دینی و... از جمله مهم‌ترین مسائلی بود که فرهنگ اسلامی را به انحراف کشاند و می‌توان مهم‌ترین انحراف را تهی شدن روح حاکم بر اسلام دانست «أَلَا وَقد قَطَعْتُمْ قَبْدَ الْإِسْلَامِ، وَعَطَّيْتُمْ حُدُودَهُ، وَأَمَّيْتُمْ أَحْكَامَهُ». (خطبه ۱۹۲) حضرت علی علیه السلام برای اینکه فرهنگ اسلامی را از چنگال خطر انحراف برهاند، کوشید تا با اتخاذ روشی خردمندانه - به‌صورتی که اصل اسلام لطمه نیبند و امت اسلامی دچار سرگردانی و پراکندگی نشود - در مدت ۲۵ سال زندگی در کنار حکومت دینی و نظارت بر آن با این کزروی و کج‌اندیشی بستیزد، شش ماه پرهیز از بیعت با ابوبکر، پذیرفتن شرط عمل به سیره ابوبکر و عمر در شورای شش نفره، انتقادهای گوناگون بر عملکرد عمر و عثمان و... از جمله این اقدامات بود.

آن حضرت پس از پذیرش تصدی حکومت نیز با شیوه‌ای دیگر با این انحراف‌ها مبارزه کرد، مخالفت با تبعیض اقتصادی، تبعیض نژادی، بدعت‌ها، دنیاطلبی‌ها و... نمونه‌هایی هستند که علی علیه السلام در پنج سال حکومت خود بر جهان اسلام در راه مبارزه با انحراف فرهنگی انجام داد.

۲. ترویج خردگرایی و آزاداندیشی

امام برای رشد خردورزی در جامعه، آزاداندیشی را سرلوحه کار خویش ساخته بود. تاریخ به روشنی گواهی می‌دهد که امیرمؤمنان نه تنها تفتیش عقاید را به هیچ‌روی اجازه نداد؛ بلکه در نامه خویش به مالک اشتر، تفتیش عیوب مردم و خرده‌گیری به اشتباه آنان را رد کرده‌است. (نامه ۵۳)

۳. سیره عملی

حضرت علی علیه السلام به پیروی از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، فقط در گفتار، مروج فرهنگ اسلامی نبود؛ بلکه با کردار خود، افزون بر تأثیر عمیق بر انسان‌های زمان خویش، در عصر پس از خود نیز فرهنگ‌ها و انسان‌های بزرگی را عاشق و شیفته خود ساخت. نمونه‌ای از هزاران سیره عملی حضرت، برخورد وی با مردم انبار در مراسم استقبال بود. (حکمت ۳۷)

۴. ارج نهادن به تعلیم و تربیت

از مهم‌ترین عناصری که فرهنگ یک ملت را غنی ساخته، به توسعه همه جانبه آن مدد می‌رساند، آموزش و پرورش است. امام به تعلیم و تربیت اهمیتی وافر می‌داد و در ترویج آن از هیچ کوششی دریغ نکرد، او دانش را برترین شرف (حکمت ۱۱۳)، بهتر از مال و پاسبان آدمی (حکمت ۱۴۷) دانسته و به مسلمانان امر فرموده به سوی دانش بشتابند، پیش از آنکه فرصت آموختن از منبع و اهل آن را از دست بدهند (خطبه ۱۰۵) و به فرمانداران خود دستور می‌دهد تا در مدیریت خود بر شهرها و مردم، با دانشمندان گفتگو کنند. (نامه ۵۳)

حاصل آنکه علی بن ابی‌طالب علیه السلام از آن شخصیت‌هایی است که محصور و زندانی فرهنگ زمانه نیست؛ بلکه متعلق به تمام زمان‌هاست. (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۶۸)

اشاره‌ای به معیارهای پذیرش فضای صدور و ملاک نقد آن

ملاک‌های نقد فضای صدور با در نظر گرفتن روشی که ما را به این فضا رهنمون می‌کند، متفاوت خواهد بود و در مجموع به دو دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: فضایی که از طریق تحلیل محتوای خطبه‌های نهج‌البلاغه به دست می‌آید که این موارد فقط از طریق عقل و قواعد فهم قابل خدشه است و یا لازم است دلیل نقلی صحیحی بر اثبات یا رد مسئله پیدا شود تا بتوانیم این گونه فضا را نقد نماییم یا از آن صرف نظر کنیم، این موارد در میان خطبه‌های نهج‌البلاغه به تعداد بسیار محدود وجود دارد. دسته دوم: بیشترین نکته‌های فضاها، صدور خطبه‌ها، از طریق تذکرات سید رضی قبل یا بعد از خطبه‌ها، مطالعه شروع نهج‌البلاغه، کتاب‌های تاریخی مربوط به حوادث قرن اول هجری و استفاده از کتاب‌های مصادر نهج‌البلاغه به دست آمده‌اند که همگی آن در واقع روایت تاریخی و در بیشتر موارد خبر واحد می‌باشند؛ بی‌شک ملاک نقد آنها همان ملاک‌های نقد صحت احادیث و منقولات تاریخی خواهد بود، به بیان دیگر همان معیارهایی که در تشخیص جعلی بودن احادیث به کار می‌روند، در نقد فضای صدور خطبه‌ها نیز کاربرد خواهند داشت.

پرسشی در اینجا مطرح است که اگر فضای صدور خطبه‌ها را در تمام احادیث مؤثر بدانیم، آیا ممکن نیست استفاده‌های ناروایی به همراه داشته باشد؟ مثلاً در هر حکمی ادعا کنیم که مربوط به عصر نبوی یا علوی بوده و اینک زمان اعتبار آن حکم به سر آمده است و باید حکمی دیگر جایگزین شود؟ آیا در این صورت از احکام دینی اثری باقی می‌ماند؟ در پاسخ باید دقت کرد که اصل توجه به فضای فرهنگی اجتماعی عصر شارع با قیاس فقهی و تمثیل منطقی، فرقی روشن دارد و وجه افتراق آنها به قرار زیر است:

در تمثیل منطقی ما نیازمند به وجه شباهت دو پدیده هستیم و سپس با استناد به شباهت و همانندی دو پدیده، حکم یکی را بر دیگری سرایت می‌دهیم، اما در پدیده‌های شرعی باید علت حکم را دریابیم، سپس به استناد وجود آن علت در پدیده‌های دیگر به شباهت آن دو پی ببریم، سپس حکم اولی را به دومی سرایت دهیم. آنچه استفاده از قیاس را در پدیده‌های شرعی سست و لرزان می‌کند همین نکته است که ما علت حکم را چیزی می‌دانیم در حالی که ممکن است در واقع علت حکم غیر آن باشد. لذا علما به این دلیل

گفته‌اند که اگر علت حکم منصوص باشد و در لسان شارع بیاید، در آن صورت قیاس پذیرفتنی است.

در اصل توجه به ویژگی‌های اجتماعی و معیشتی (فضای فرهنگی اجتماعی) به هیچ‌روی سخن در شباهت دو پدیده نیست؛ لیکن تکیه بر علت حکم است، یعنی ما می‌فهمیم که مثلاً صحت شرط‌بندی در مسابقاتی مانند تیراندازی و اسب‌سواری به علت اعداد و آماده ساختن افراد در پیکار و رزم است.

ممکن است به این دلیل به قیاس مانند کرد؛ ولی این توجه به فلسفه صدور حکم به معنای دریافت خودسرانه علت حکم نیست؛ بلکه زمینه تشخیص ملاک و علت صدور حکم است، آنچنان که ما در توجه به تقیه، به زمینه صدور حکم پی می‌بریم و در پرتو همین فهم و درک درمی‌یابیم که آن حکم و یا روایت ناظر به چه مطلبی است و مراد واقعی شارع چیست؟ (مبینی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۱ - ۱۹) پس در نقل فضای صدور ما حکم را به یک مورد خاص منحصر نمی‌کنیم؛ بلکه در فهم بهتر حدیث و روایت از آن بهره‌مند می‌شویم.

بررسی فضای صدور خطبه ۲۶

برای نمونه فضای صدور خطبه ۲۶ «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا نَذِيرًا لِّلْعَالَمِينَ، وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ» را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

حضرت علی علیه السلام پس از شنیدن خبر شهادت محمد بن ابی بکر و اشغال مصر توسط عمرو بن عاص در اندوه فراوان به سر می‌برد که عمرو بن حمق، حجر بن عدی، حبه عرنی، حارث اعور و... از حضرت سؤال کردند تا نظرش را راجع به ابوبکر و عمر بیان کند. حضرت فرمود: آیا الان وقت این سؤال است؟ مگر نمی‌دانید که محمد بن ابی بکر شهید شده و عمرو بن عاص مصر را تصرف کرده است؟! و بعد فرمودند: نامه‌ای برایتان خواهم نوشت که پاسخ سؤال خود را در آن بیابید و امام نامه مزبور را خطاب به کلیه مسلمانان و

مؤمنان نوشت و در آن حوادث پس از رحلت حضرت نبی اکرم ﷺ را تا شهادت محمد بن ابی بکر تبیین نمود. (ثقفی، ص ۳۰۸ - ۳۰۲)

ظاهراً این قسمت خطبه نیز بخشی از همان نامه امام علی ﷺ است؛ (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳) البته امیرمؤمنان ﷺ مضامین این نامه را به‌طور پراکنده در مناسبت‌های مختلف به شکل خطابه یا گفتگوی خصوصی یا پرسش و پاسخ بیان کرده است و یکی از علل اختلاف در روایات همین نکته است. (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۳۲۱) گاه تصور می‌شود که ذیل این خطبه که مردم را به جهاد دعوت می‌کند، منافات با این سخن دارد و نشان می‌دهد که این کلام قبل از جنگ صفین از آن حضرت صادر شده است؛ ولی ممکن است این سخن اشاره به جنگی باشد که حضرت قبل از ایام شهادت خود، مردم را برای آن آماده می‌ساخت و البته حادثه دردناک شهادت امام مانع از اقدام به آن جنگ شد. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳ و ۱۰۴)

قسمت‌هایی از این نامه با توجه به محتوای روایت ثقفی (ثقفی، بی‌تا، ص ۳۰۸ - ۳۰۲) در خطبه‌های زیر آمده است (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۳۲۱):

خطبه ۲۶: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا نَذِيرًا لِّلْعَالَمِينَ، وَأَمِينًا عَلَيَّ التَّنْزِيلِ»

خطبه ۵۳: «فَتَدَاكُوا عَلَيَّ تَدَاكَ الْأَبْلِ الْأَهِيمِ يَوْمَ وِرْدِهَا»

خطبه ۱۷۲: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُؤَارِي عَنْهُ سَمَاءُ سَمَاءٍ، وَلَا أَرْضٌ أَرْضًا»

خطبه ۲۱۷: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ، فَإِنَّهُمْ قَدْ قَطَعُوا رَحِمِي»

خطبه ۲۲۹: «وَبَسَطْتُمْ يَدِي فَكَفَفْتُمَهَا، وَمَدَدْتُمُوهَا فَفَقَصْتُمَهَا»

خطبه ۲۳۸: «جِفَاءَ طَعَامٍ، عَيْبِدُ أَقْرَامٍ، جُمُعُوا مِن كُلِّ أَوْبٍ»

نامه ۶۲: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا ﷺ نَذِيرًا لِّلْعَالَمِينَ، وَمُهَيِّمًا عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ»

در دو روایت زیر نیز مفاد یا منطوق نامه را در بر دارد:

خطبه ۳۰: «لَوْ أَمَرْتُ بِه لَكُنْتُ قَاتِلًا، أَوْ نَهَيْتُ عَنْهُ لَكُنْتُ نَاصِرًا»

خطبه ۷۹: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النَّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ»

لازم به ذکر است که اشاره نماییم در این زمان فضایی تیره بر کوفه حاکم بود ماجرای خوارج به شکست قطعی منتهی شده بود ولی تعدادی از بازماندگان که به نوعی جان سالم یا نیمه سالم به در برده بودند، می‌کوشیدند چونان جراحتهای عفونی در پیکره امت اسلامی، سلامت همه اعضای بدن را مختل کنند.

از سوی مصر مورد تاخت و تاز عمرو بن عاص و مزدوران معاویه قرار داشت و فریاد استمداد محمد بن ابی بکر که به‌وسیله امام در کوفه منعکس بود، در هیچ گوشه فرو نمی‌رفت. نیز تاخت و تازهای گسترده و وحشیانه سرداران بزرگ و جنایت پیشه معاویه بر گوشه و کنارهای عراق، روحیه مردم عراق را متزلزل کرده بود. در چنین جوی، امام به زحمت توانسته بود نیرویی اندک به عنوان پیش‌رو، به یاری محمد بن ابی بکر بفرستد، اما با شنیدن خبر شهادت وی، نیروهای امدادی مزبور به کوفه برگشتند.

مالک اشتر که دست راست امیرمؤمنان محسوب می‌شد، چندی پیش در میانه راه مصر به‌وسیله عوامل مزدور معاویه مسموم شده بود.

در این شرایط تعدادی از اصحاب سؤال مستمر خود را تکرار نمودند که یا امیرمؤمنان! چه شد که از حق مسلم خود محروم شدی؟ امام در چنین موقعیتی این نامه را نوشت که سید رضی آن را قطعه‌قطعه کرده و به‌صورت چند خطبه و یک نامه درآورده است. (جعفری، پیشین، ص ۷۰۵ و ۷۰۶)

نتیجه‌گیری

فضای صدور که در کتاب‌های حدیثی با نام‌های دیگری چون اسباب صدور حدیث، اسباب ورود حدیث و اسباب الحدیث نیز نامبردار است، از جمله شاخه‌های فقه‌الحدیث است که بیانگر علل و زمینه‌های صدور قول یا فعل و یا تقریر از ناحیه معصوم علیه السلام و همانند علم اسباب نزول قرآن کریم است. با توجه به این نکته منظور از فضای فرهنگی اجتماعی صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه یعنی موقعیت‌ها و شرایطی که در چنین مواقعی،

علی علیه السلام به ایراد خطبه پرداخته و مطالبی را بیان نموده‌اند و آشنایی با آن شرایط ما را در فهم بهتر مطالب نهج البلاغه کمک می‌کند.

احادیث علی علیه السلام در نهج البلاغه دارای یک سبب کلی است که همان عمومات تعلیمی، آموزشی و هدایتی است. ولی در برخی موارد نکته‌ای خاص باعث ایراد یک سخن یا انجام عملی گردیده است که با استفاده از تحلیل متن نهج البلاغه، نکته‌هایی که سید رضی قبل و بعد از خطبه‌ها آورده است، مطالعه شروع نهج البلاغه، کتاب‌های تاریخی مربوط به حوادث قرن اول هجری و استفاده از کتاب‌های مصادر نهج البلاغه؛ می‌توان به آن سببها (فضای صدور) دست یافت.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- نهج البلاغه (خطبه‌ها براساس ترجمه علامه جعفری، محمد دشتی و سید جعفر شهیدی شماره‌گذاری شده است).
۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، (۱۳۷۸ ق) شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء الکتب العربیة، الطبعة الاولى.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۱) معانی الاخبار، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۳. ابن حمزه حسینی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۰۱ ق) البیان و التعریف فی اسباب ورود الحدیث الشریف، تحقیق سیف‌الدین الکاتب، بیروت، دار الکتب العربی.
 ۴. ابن حیون، نعمان بن محمد، (۱۳۸۳ ق) دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، مصر، دارالمعارف.
 ۵. _____، (بی‌تا) شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقیق محمد الحسینی الجلالی، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

۶. اسکافی، محمد بن عبدالله، (بی تا) *المعیار و الموازنه*، تحقیق محمدباقر محمودی، بی جا، بی تا.
۷. امینی، عبدالحسین، (۱۳۹۷ ق) *الغدیر*، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الرابعة.
۸. بهبودی، محمدباقر، (۱۳۷۹) *سیره علوی، فصلی از تاریخ صدر اسلام*، [ویرایش ۲]، تهران، خانه اندیشه جوان، چ اول.
۹. تهرانی، محمد محسن (آقابزرگ)، (۱۴۰۳ ق) *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثالثة.
۱۰. ثقفی، ابراهیم بن محمد، (بی تا) *الغارات*، تحقیق جلال الدین المحدث، بی جا، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۱. جعفری، محمدمهدی، (۱۳۸۰) *پرتوی از نهج البلاغه*، با نقل منابع و تطبیق با روایات مآخذ دیگر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول.
۱۲. حسینی، عبدالزهراء، (۱۳۹۵ ق) *مصادر نهج البلاغه و اسانیده*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
۱۳. دشتی، محمد، (۱۳۷۸) *اسناد و مدارک نهج البلاغه*، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چ اول.
۱۴. _____، (۱۳۷۹) *کلیدهای شناسایی نهج البلاغه*، (ویرایش ۳)، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چ اول.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۳) *قرآن در اسلام*، تصحیح محمدباقر بهبودی، طهران، دارالکتب الاسلامیة.
۱۶. قاضی، عبد العزیز بن البراج، (۱۴۰۶ ق) *المهذب*، تحقیق باشراف السبحانی، قم، جامعه المدرسین.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ ق) *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الثالثة.

۱۸. مبینی، حسن، (۱۳۷۵) *اجتهاد در بستر تغییرات زمان و مکان*، تهران، آوای نو، چ اول.
۱۹. محمودی، محمدباقر، (۱۳۹۶ ق) *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة الاولى.
۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴) *اسلام و مقتضیات زمان*، قم، تهران، صدرا، چ دهم.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) *پیام امام امیرالمومنین*، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ اول.
۲۲. نادم، محمدحسن، (۱۳۸۳) *خاستگاه فرهنگی نهج البلاغه*، پژوهشی درباره خاستگاه فرهنگی سخنان امام علی، در نهج البلاغه، قم، ادیان، چ اول.
۲۳. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۹ ق) *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق موسسه آل‌البتیت، لایه التراث، قم، موسسه آل‌البتیت، لایه التراث، الطبعة الثانية.
۲۴. هاشم، احمد عمر، (۱۴۱۸ ق) *قواعد اصول الحدیث*، بیروت، دارالکتب العربی.

ب) مقالات

۱. حنفی، حسن، (۱۳۸۰) «از نقد سند تا نقد متن (۴)»، *علوم حدیث*، ش ۱۹، ص ۶۵ - ۳۹.
۲. سلیمانی، داود، (۱۳۸۳) «اسباب صدور حدیث»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۷۶، دفتر اول، پاییز و زمستان ۸۳، ص ۷۹ - ۶۵.
۳. فصلنامه *نهج البلاغه*، ش ۶، بی‌نا، بی‌تا.
۴. کاشفی، محمدرضا، (۱۳۸۰) «تأثیر امام علی بر فرهنگ و تمدن اسلامی»، دانشنامه *نهج البلاغه*، ص ۳۵۸ - ۳۰۳.
۵. معماری، داود، (۱۳۷۷) «جایگاه و مبانی نقد متن در علوم حدیث»، *مطالعات اسلامی*، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۷۵.
۶. مهریزی، مهدی، (۱۳۷۴) «نگاهی تاریخی به مسئله فقه و زمان»، *آینه پژوهش*، ش ۳۶.

